

میهن اینوست



Trading in the Zone

تحلیل بنیادی ، تکنیکال یا ذهنی؟

مارک داگلاس

مقدمه

چرا این کتاب را مطالعه کنیم؟

قطعا هدف هر معامله گر کسب سود است که به میزان مشخصی باشد و مستمر افزایش پیدا کند ولی کمتر معامله گرانی هستند که به این خواسته دست پیدا می کند. اگر شما هم می خواهید در دسته معامله گران برنده باشید این کتاب برای شما است.

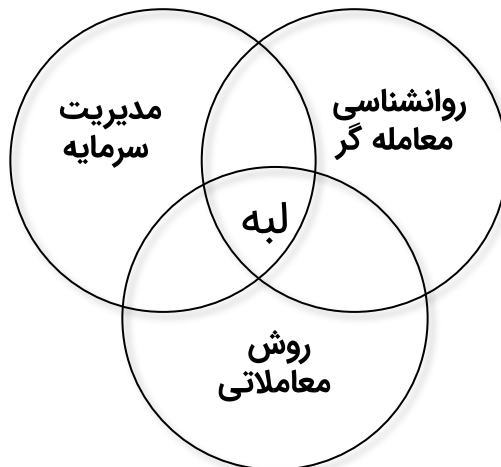
این تفکر است که باعث موفقیت میشود

معامله گرانی که در بازارهای مالی موفق می شوند به دلیل استفاده از روش های معاملاتی خیلی خاصی نیست بلکه به خاطر نوع نگرش و تفکر آنها نسبت به بازار است.

در بازار هر اتفاقی ممکن است رخ دهد

برای اینکه خودتان را در بازاری که دارای فاکتورهای زیادی برای حرکت است نیاز است به لبه خود پاییند باشید ، اگر معامله قبلی شما سود شده است یا زیان نباید بر روی معامله بعدی شما تاثیر بگذارد و در بسیاری از موارد اگر یک معامله سود شود باعث می شود اعتماد به نفس ما افزایش و اگر زیان شود باعث کاهش اعتماد به نفس خواهد شد که باید با تمرین و نظم بدون در نظر گرفتن نتیجه معامله قبلی فقط در فرصت مناسب مجدد وارد معامله شویم.

لبه چیست؟



جهت دریافت آموزش های بیشتر به [میهن اینوست](https://mihaninvest.com) مراجعه کنید.

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۴	فصل اول : به سمت موفقیت
۷	فصل دوم : وسوسه معامله گری
۱۰	فصل سوم : قبول مسئولیت
۱۳	فصل چهارم : استمرار
۱۵	فصل پنجم : عوامل موثر درک بازار
۱۸	فصل ششم : چشم انداز بازار
۲۱	فصل هفتم : لبه معامله گری
۲۴	فصل هشتم : تغییر باور ها
۲۶	فصل نهم : ماهیت باور ها
۲۸	فصل دهم : تاثیر باور ها بر معامله گری
۳۰	فصل یازدهم : تفکر مانند یک معامله گر

فصل اول

به سمت موفقیت

در گذشته تحلیل بنیادی تنها روش تحلیل بازار بود ، تحلیل تکنیکال تنها توسط تعداد کمی از معامله‌گران انجام می شد و موسسه های مالی این افراد را شعبده‌باز می خواندند.

ولی امروزه معامله گران بسیار زیادی از تحلیل تکنیکال استفاده می کنند و تحلیل بنیادی تقریباً منسوخ شده است ، چرا که اگر از تحلیل بنیادی استفاده کنیم نمی توانیم زمان دقیق ورود به معامله راه پیدا کنیم.

تحلیل تکنیکال همیشه بهتر از تحلیل بنیادی است چرا که تحلیل بنیادی به اعداد ریاضی و پیش بینی ما نسبت به قیمت های آینده بستگی دارد ولی تحلیل تکنیکال تمرکز معامله گر را به سمت رفتار گذشته بازار هدایت می کند .

از طرفی دیگر تحلیل تکنیکال فرصت های بیشتری را در اختیار ما قرار می دهد ، در تحلیل بنیادی فرصت های معاملاتی بسیار کمتر می شود.

چه تفاوتی در نحوه اندیشیدن معامله گران برتر با سایر معامله گران وجود دارد ؟

همانطور که فرصت های معاملاتی در بازار بسیار زیاد است معامله گران نیز خود را با موقعیت های روانشناختی متفاوتی می بینند .

ویژگی مشخص کننده که برندگان بازار را همیشه از سایر معامله گران جدا می کند این است که آنها به یک ساختار فکری منحصر به فرد دست یافته اند چرا که آنها در صورتی که معاملات آنها دچار ضرر شود آرامش خود را حفظ کرده و دچار ترس نمی شوند.

در همان موقع که معامله گران برتر بازار بدون ترس معامله می کنند سایر معامله گران در ترس و هراس قرار می گیرند. زمانی که شما با ترس وارد معامله می شوید این ترس در برابر شما قرار میگیرد به این صورت که بسیاری از موارد که از آن ها می ترسیدید در واقعیت برای شما اتفاق می افتد .

برای مثال اگر می ترسید که تحلیل اشتباه انجام دهید همین ترس باعث می شود نتوانید به درستی داده های بازار را بررسی و تصمیم درست بگیرید.

ترس به صورت فیزیکی ما را فلج می کند و به صورت ذهنی باعث می شود تمام توجه ما به سمت
ترس برود.

ترس و اعتماد به نفس در برابر هم هستند و هر دو از باور های ما سرچشمه می گیرند ، معامله
کردن در بازاری که در هر لحظه ممکن است بیشتر از آن چیزی که انتظار داریم پول از دست دهیم
نیاز به اعتماد به نفس دارد.

زمانی که یاد بگیرید ریسک پذیر باشید دیگر تمایلی ندارید که دیگران را مقصر کنید و انتظار داشته
باشید که بازار ضرر شما را کم تر کند یا بخواهید کارگزار یا بازار را مقصر کنید.

اینکه یاد بگیرید باور های خود را به صورتی تنظیم کنید که قادر باشید بدون هیچ ترسی وارد معامله
شوید بسیار اهمیت دارد و حتما توجه داشته باشید که این کار نباید باعث شود که بدون حساب و
کتاب نیز معامله کنید.

فصل دوم

وسوسه معامله گری

معامله گری کاری است که آزادی نامحدودی به ما می دهد ما این آزادی را در بخش های مختلف زندگی خود نداشته ایم.

در معامله گری هیچ قانونی وجود ندارد یا به عبارت دیگر هیچ رئیسی ندارید که به شما دستور دهد چقدر کار کنید و چطور و در چه چهارچوب هایی معامله کنید و این خودتان هستید که باید برای ماندن در بازار قوانینی برای خود در نظر بگیرید .

هر کسی لازم دارد که ذهن خود را آموزش دهد و این مساله مربوط به تحصیلات ، موفقیت و سطح هوش نمی شود .

حقیقتی که در مورد معامله گری وجود دارد این است که ممکن است شما بسیار ضرر کنید در صورتی که حتی مورد انتظار شما هم نباشد ، برای جلوگیری از این موضوع باید یک ساختار ذهنی و انضباط فکری داشته باشیم تا به رفتار ما جهت دهد و همیشه به بهترین شکل در بازار عمل کنیم.

بازار تشکیل شده از الگو های رفتاری است که نشان می دهد چه فرصت هایی برای خرید و یا فروش وجود دارد و هیچ شروع ، میانه و پایانی وجود ندارد.

در زمان ورود به معامله هیچ فردی در انتخاب میزان ریسک ما را مجبور نمی کند . در واقعیت معامله گری محیطی بدون حد و مرز است و هر اتفاقی ممکن رخ دهد ولی معامله گران حرفه ای همیشه از قبل میزان ریسک خود را مشخص می کنند و آماده هر اتفاقی که ممکن است رخ دهد هستند.

مقاومت در برابر ساخت قوانین

تقریباً همه معامله گران در ابتدای راه برای خود قوانین در نظر نمی گیرند ، نیاز به قوانین بسیار منطقی است ولی اینکه قوانین مورد نیاز خود را ایجاد و از آن پیروی کنیم کار ساده ای نیست ، ایجاد قوانین مالی برای کسب سود مستمر از بازار ممکن است سخت باشد ولی ساخت آن ها و پیروی از آن ها بسیار مهم است.

تا زمانی که تصمیم نگیریم اتفاقی نمی افتد ، هر معامله تا زمانی که ما بخواهیم ادامه پیدا می کند و هر زمان بخواهیم می توانیم از آن خارج شویم.

اصل بسیار مهم در بازار این است که مسئولیت تمام نتایج را بپذیریم چرا که معامله گران بسیار کمی بعد از ورود به معامله مسئولیت آن معامله را قبول می کنند.

چرا نباید بر اساس تحلیل و نظر دیگران وارد معامله شویم؟

وقتی شما با نظر و تحلیل خود وارد معامله می شوید و از آن خارج می شوید مجبور هستید مسئولیت معامله خود را قبول کنید و سود یا زیان نتیجه تحلیل شما بوده است ولی زمانی که شما بر اساس نظرات دیگران وارد معامله می شوید باعث می شود مسئولیت معامله را قبول نکنید و آن را تقصیر بروکر یا کسانی که به شما پیشنهاد معامله داده اند بیندازید .

کنترل خراجی در برابر کنترل داخلی

ممکن است فکر کنید بازار یک محیط اجتماعی است ولی اینطور نیست ، بازار یک محیط وحشی است که هر کس در آن تنها است ، به عبارت دیگر ما برای تامین نیاز های خود نمی توانیم به بازار وابسته باشیم و کنترل رفتار بازار نیز از دست ما خارج است ، چرا که ما یادگرفته ایم در محیط اجتماعی می توانیم محیط را برای رسیدن به خواسته خود تغییر دهیم ولی نمی توان این کار را در بازار انجام داد و قابل تغییر و دستکاری نیست.

با این وجود ما می توانیم درک خود را از داده های بازار کنترل کنیم یعنی به جای اینکه بازار را کنترل کنیم بتوانیم برای ذهن خود ساختاری در نظر بگیریم ، در این صورت همیشه به بهترین شکل عمل خواهیم کرد.

فصل سوم

قبول مسئولیت

قبول مسئولیت در معامله گری و یادگیری اصول موفقیت بسیار مهم است و اگر شما این دو مورد را با تمام وجود بپذیرید و بدانید که چه زمانی شما مسئول کار خود هستید و چه زمانی مسئول نیستید تنها آن زمان است که ویژگی های لازم را برای موفقیت در معامله گری کسب کرده اید.

شکل دهی محیط ذهنی

بهترین معامله گران به روش خاصی فکر می کنند ، آن ها به این ساختار ذهنی رسیده اند که ترس و خودشیفتگی را کنار گذاشته و به بهترین شکل معامله کنند . حذف ترس فقط قسمتی از ماجرا است و قسمت دیگر مهارت های درونی است.

بهترین معامله گران یاد گرفته اند که اگر چندین معامله پشت سر هم ضرر شد اعتماد به نفس خود را از دست ندهند و اگر چند معامله پشت سر هم سود شد دچار خودشیفتگی نشوند .

دلیل عدم موفقیت بسیاری از معامله گران این است که آنها به جای اینکه درست فکر کردن را یاد بگیرند به دنبال این هستند که روش های مختلفی را یادگیرند و دانش خود را افزایش دهند تا بتوانند سود بیشتری کسب کنند و شانس برد بیشتری داشته باشند.

تقریباً غیر ممکن است که کسی در ابتدای راه دچار این دام نشود ، همیشه ترس از تحلیل اشتباه یا ضرر کردن وجود دارد یا اینکه فرصت های سود ده معاملاتی را از دست بدهید و در نهایت همه این موارد باعث شکست شما در معاملات می شود .

زمانی که شما ترس را کنار گذاشته و بدون نگرانی بازار را بررسی و اقدام به معامله می کنید شانس برد بیشتری دارید و اطلاعات بسیار شفاف تر است برای شما انگار بازار به شما می گوید چه زمانی بخرید و چه زمانی بفروشید و از آنجایی که هیچ ترسی ندارید بدون درنگ وارد معامله می شوید .

برخلاف تصور عموم معامله گران موفقیت معامله گران برتر به خاطر دانش بالایی که در تحلیل دارند نیست چرا که به خاطر ساختار ذهنی و نوع نگاه آنها به بازار است.

با وجود اینکه بسیاری از معامله گران می گویند ریسک پذیر هستیم ولی تعداد کمی از آنها واقعا ریسک پذیر هستند چرا که بسیاری از معامله گران منتظر می نشینند تا بازار برای آنها کاری انجام دهد.

اگر شما مسئولیت معامله های خود را قبول نکنید و از بازار انتظار داشته باشید که به شما پول بدهد یا ضرر شما را کم کند در حقیقت این فرصت برای شما فراهم می شود تا زمانی که بازار به جهت تحلیل شما پیش نرفت بازار را مقصر کنید و آن را دشمن خود در نظر بگیرید . شما باید بازار را جریانی از فرصت های معاملاتی ببینید .

به هیچ وجه نمی توان از درد و رنج دوری کرد چرا که بازار الگو های رفتاری را ایجاد می کند و ممکن است آنها را تکرار کند ، ممکن است ! بعضی مواقع بازار الگو های قبلی خود را تکرار نمی کند پس نمی توان انتظار داشت بازار همیشه به ما سود برساند و ضرر بخشی از معامله گری است .

وقتی پشت سر هم معامله شما سود می شود بیشتر ممکن است اشتباه کنید چرا که بسیاری از افراد حجم معاملات خود را افزایش می دهند و دیگر از سیستم معاملاتی خود پیروی نمی کنند شاید بگویید در اکثر معاملات شما برنده هستید ولی اگر فقط یک بار اینطور نباشد تمام سود معاملات قبلی خود را از دست می دهید.

همه برای کسب سود می آیند

قطعا کسی وجود ندارد که با هدف ضرر کردن وارد بازار شود . اما در واقعیت بسیاری از افراد در بازار ضرر می کنند و از بازار خارج می شوند این معامله گران هنوز یاد نگرفته اند که بتوانند اعتماد به نفس و خودشیفتگی خود را مدیریت کنند.

فصل چہارم

استمرار

اگر شما می خواهید مانند معامله گران برتر و بخشی از معامله گران برنده بازار باشید باید بدانید که این مشکل عدم توانایی کسب سود در ذهن شما است نه در بازار چرا که استمرار یک حالت ذهنی است.

تفکر درباره معامله گری

همانطور که فکر می کنید معامله گری آسان است ، معامله گری در بسیاری از موارد لذت بخش است و ساده به نظر می رسد اما ادامه پیدا کردن نتایج لذت بخش به صورت مداوم تابع دیدگاه ، باور ها و خواسته ها و در نهایت ساختار ذهنی شما است .

بهترین معامله گران در جریان بازار قرار گیرد چرا که به دنبال گرفتن چیزی از بازار نیستند. این دسته از معامله گران به سادگی از آنچه بازار ارائه می دهد سود کسب می کنند.

برخی از معامله گران فکرمی کنند آنها وارد فعالیت ریسک آمیز معامله گری شده اند به این معناست که ریسک را نیز پذیرفتند، فرضیه که شما وارد بازارهای مالی شده اید بدین معناست که ریسک آن را نیز پذیرفته اید کاملا اشتباه است.

ریسک پذیری یعنی بدون اینکه هیچ درد و رنجی را متحمل شویم تمام نتایج حاصل از یک معامله را بپذیریم.

همچنین باید یاد بگیریم زمانی که پول یا یک موقعیت معاملاتی را از دست می دهیم یا حتی تحلیلی اشتباه انجام می دهیم به هیچ شکلی باعث نشود که مکانیزم دفاعی ذهن ما تصمیم های بعدی ما را مدیریت کند چرا که این موضوع باعث می شود ذهن ما برای یک حالت دفاعی آماده شده و داده های بازار را به آن صورتی که وجود دارد نتوانیم مشاهده کنیم.

بازار همیشه فرصت های زیادی در اختیار ما قرار می دهد اگر ترس و یا تهدیدی وجود نداشته باشد عمل کردن به سیستم معاملاتی خود بسیار ساده است .

فصل پنجم

عوامل موثر درک بازار

یکی از اهداف کتاب این است که به شما یاد دهد احساسات خود را در معامله گری کنار گذاشته و بدون در نظر گرفتن احساسات معامله کنید چرا که بازار برنامه ای برای خوشحالی کردن یا ناراحت کردن ما ندارد و به مسیر صعودی یا نزولی خود ادامه می دهد و احساس ناراحتی و یا خوشحالی نتیجه برداشت ما از بازار است.

اگر تهدیدی وجود نداشته باشد لازم به دفاع هم نیست.

پذیرش و یادگیری

خاطرات و باور های ما به شکل انرژی هستند ، آنها مانند نیرویی در درون بر روی حواس ما تاثیر دارند و هر چیزی را که فقط بخواهند از محیط بیرون دریافت می کنند و ممکن است تمام واقعیت را به ما نشان ندهند.

در هر لحظه میلیون ها اطلاعات در محیط اطراف ما وجود دارد و ما از نظر فیزیکی نمی توانیم تمام آن ها را بررسی کرده و پردازش کنیم.

ریسک یک موضوع نسبی است ، برداشت هر معامله گر از ریسک ممکن از معامله گر دیگر تفاوت داشته باشد .

ما باید تمام تلاش خود را انجام دهیم تا بدون در نظر گرفتن معاملات گذشته خود در لحظه معامله کنیم و به گذشته و آینده فکر نکنیم.

ذهن ما توانایی تعمیم بالایی دارد به شکلی که می تواند تجربیات محیط پیرامون که شامل ویژگی ها و مشخصات یکسانی هستند را در درون ذهن به هم مربوط کند.

بازار فقط اطلاعات را به صورت کاملا بی طرفانه تولید می کند و برای شما فرصت های معاملاتی بسیار زیادی را ایجاد می کند ، اگر در زمان تحلیل بازار دچار ترس شدید باید از خود سوال کنید که آیا این اطلاعات واقعا تهدید آمیز هستند؟ یا شما براساس انتظاری که از بازار داشتید این ترس را ایجاد کرده اید.

ذهن ما داده ها و اطلاعات بیرونی را با اطلاعات درونی که از گذشته همراه ما بوده است مربوط می کند به صورتی که چیزی را که انتظار داشتیم اتفاق بیفتد فکر می کنیم واقعا در حال اتفاق افتادن است.

برای مثال اگر در چند معامله قبلی خود ضرر کرده باشید و حاصل تحلیل اشتباه شما بوده باشد فکر می کنید که تحلیل بعدی شما هم اشتباه خواهد بود .

ذهن ناخودآگاه شما می تواند لحظه حال را با تجربیات گذشته شما پیوند دهد و این موضع می تواند باعث ایجاد ترس و اطلاعات موجود را از نظر منفی نگاه کنید.

جلوگیری از تعمیم

برای جلوگیری از این موضوع باید به یک حالت ذهنی برسید که بتوانید فرآیند تعمیم دادن در ذهن را به کنترل خود درآورید .

فصل هشتم

چشم انداز بازار

بسیاری از معامله گران میزان ریسک معاملات بعدی خود را با توجه به نتایج معاملات قبلی خود مشخص می کنند برای مثال اگر در چند معامله قبل سود کسب کرده بودند حجم معامله بعدی خود را افزایش و اگر ضرر کرده بودند حجم معامله بعدی خود را کاهش می دهند ولی معامله گران موفق بازار به سیستم معاملاتی خود و مدیریت سرمایه کاملا پایبند هستند.

بهترین معامله گران بر اساس شادی یا ناراحتی معاملات قبلی تصمیم نمی گیرند بلکه در هر شرایط به سیستم معاملاتی خود پایبند هستند.

اصل عدم قطعیت در بازار

- ۱- باید بتوانید بدون ترس یا خودشیفتگی معاملات خود را ادامه دهید.
- ۲- بازار را آنگونه که واقعا وجود دارد نگاه کنیم نه به آن شکلی که دوست داریم باشد.
- ۳- باید بتوانید در لحظه اکنون باشید و تصمیم بگیرید.

با رعایت این ۳ اصل و براساس لبه (در بخش مقدمه آن را بررسی کردیم) می توانید در معاملات موفق شوید .

ذهن ما نمی تواند تمام رویداد ها و داده ها را در لحظه بررسی کند این نوع نابینایی در زمان معامله هم می تواند برای ما وجود داشته باشد ، چرا که ممکن است ما نتوانیم قبول کنیم که بازار ممکن است برخلاف جهت تحلیل ما نیز حرکت کند.

یک بازار دارای روند به سادگی قابل تشخیص است ولی اگر با ترس وارد این بازار شویم روند اصلی از دید ما پنهان می شود و فقط روندی را مشاهده می کنیم که در جهت تایید تحلیل ما باشد.

اگر برای مدتی در بازار معامله انجام داده باشید قطعا اطلاع دارید که بازار ممکن است در هر لحظه به هر اندازه ای حرکت کند و هیچ محدودیتی در حرکت و زمان وجود ندارد و با توجه به اینکه بسیاری از افراد از این موضوع آگاه هستند باز هم بسیاری از افراد در بازار ضرر می کنند.

مهم ترین ویژگی بازار

اگر رفتار بازار براساس حرکت قیمت ها بدانیم و حرکت قیمت ها هم براساس رفتار معامله گران باشد پس می توان گفت افزایش یا کاهش قیمت ها براساس آن چیزی است معامله گران در مورد آینده بازار پیش بینی می کنند .

به طور کلی سه دسته معامله گر وجود دارد .

- ۱- دسته اول فکر می کنند قیمت پایین است و فرصت خرید است ، پس وارد خرید می شوند.
- ۲- دسته دوم فکر می کنند قیمت بالا است و فرصت خوبی برای فروش است ، پس وارد فروش می شوند.
- ۳- و دسته سوم که هنوز تصمیم نگرفته اند قیمت بالا است یا پایین .

از نظر تحلیل تکنیکال دسته سوم بهترین معامله گران هستند چرا که ممکن است صبر کنند تا روند مشخص شود و یا به دنبال بهترین فرصت معاملاتی هستند و به دنبال سود تصادفی و شانسی نیستند.

و در نهایت یا قدرت دسته اول بیشتر است یا قدرت دسته دوم و زمانی که این موضوع مشخص شد دسته سوم وارد معامله می شوند.

اگر هم قدرت بین دسته اول و دوم یکی بود قیمت تغییر نمی کند و بازار به حالت رنج خواهد بود که معمولا دسته سوم صبر می کند تا در نهایت قدرت یکی از دسته های اول یا دوم بیشتر شود .

هر اتفاقی ممکن است رخ دهد

بسیاری از معامله گران فکر می کنند همه چیز را می دانند ! و همین احساس آگاهی کامل است که باعث ضرر های بزرگ خواهد شد ، مهم ترین اصل بازار این است که هر اتفاقی ممکن است رخ دهد و یک معامله گر باید آماده همه شرایط باشد .

فصل هفتم

لبه معامله گری

با توجه به اینکه هر فرد در شرایط یکسان به یک صورت عمل می کند در نتیجه الگو های رفتاری یکسانی را ایجاد می کند که دائما تکرار می شود این الگو های رفتاری توسط روش های مختلف مانند خط روند ها ، اسیلاتور ها و یا میانگین متحرک ها بررسی کرد.

حالا اگر الگو های رفتاری با استفاده از روش های تحلیلی مختلف قابل تشخیص باشند معامله گر تصمیم میگرد که وارد معامله شده و خرید یا فروشی را انجام دهید ولی سوالی که مطرح می شود این است که از کجا مشخص می شود این معامله گر به درستی تحلیل انجام داده است یا خیر ؟ برای پاسخ به این سوال باید بگویم عملکرد سایر معامله گران که در فصل قبلی آن ها را با دسته اول و دوم مشخص کردیم.

زمانی که شما وارد معامله می شوید تا زمانی که از معامله خود خارج می شوید سایر معامله گران نیز در بازار وجود دارند و ممکن است تصمیم به خرید یا فروش بگیرند و تصمیم های آن ها نیز بر روی معاملات شما تاثیر خواهد گذاشت در هر زمان ممکن است بسیاری از معامله گران به ضرر ما تصمیم بگیرند یا به نفع ما و قطعا هیچ راهی برای فهمیدن اینکه تمام معامله گران می خواهند چه اقدامی انجام دهند وجود ندارد و در نهایت همیشه نتیجه معامله ما قابل پیشبینی نیست.

شاید یک الگو را مشاهده کنید و بر اساس آن وارد معامله شوید ولی این مورد بسیار مهم است که برای تکمیل الگو نیاز است معامله گرانی که در گذشته این الگو را ایجاد کرده اند مجدد وجود داشته و همان تصمیم خرید یا فروش را بگیرند .

و این نکته بسیار مهمی است چرا که شما با تسلط به عوامل روانشناختی می توانید در بازار موفق شوید .

معامله گرانی که یاد گرفته باشند بازار بر اساس احتمال استوار است قطعا معامله گر موفق هستند ، چرا که هر معامله ای که با لبه آنها مطابقت داشته باشد را فقط استفاده می کنند.

مدیریت توقع های معامله گری

توقع های غیر معمول و غیر واقعی بر روی تحلیل ما نسبت به بازار تاثیر می گذارد و می تواند باعث ضرر و زیان ما شود . وقتی همه چیز خوب است قطعاً احساس شادی ، لذت و رضایت دارید و اگر اوضاع بر اساس تحلیل شما پیش نرود باعث درد و رنج خواهد شد .

و بعد از آن برای جلوگیری احساس درد و رنج حاصل از توقع های غیر واقعی دلیل تراشی می کنیم و انواع بهانه ها را می آوریم و دوست داریم تقصیر ضرر خود و یا تحلیل اشتباه را به گردن افراد دیگر ، کارگزاری و... ببندازیم .

ساختار ذهنی فردی با فرد دیگری متفاوت است این همانجا است که با افزایش قیمت یک معامله گر تصمیم به فروش و یک معامله گر تصمیم به خرید می گیرد و که دو عامل اصلی دارد .

۱- همه افراد با ویژگی های ژنتیکی و شخصیتی متفاوتی به دنیا آمده ایم که در نتیجه نیازهای متفاوتی را داریم.

۲- هرکس در محیط اجتماعی متفاوتی نسبت به فرد دیگر بزرگ شده است .

حذف ریسک احساسی

راه حذف ریسک احساسی این است که توقعات خود را در بازار مدیریت کنید یا به عبارت دیگر از بازار توقع نداشته باشید و این ۵ قانون را رعایت کنید.

حذف ریسک احساسی

۱- هر اتفاقی ممکن است در بازار رخ دهد .

۲- برای کسب سود لازم نیست بدانید در آینده دقیقاً چه اتفاقی رخ خواهد داد

۳- در هر لبه معاملاتی شکست ها و موفقیت ها به صورت تصادفی قرار گرفته اند.

۴- هر لبه معاملاتی فقط یک احتمال است .

۵- هر لحظه بازار با لحظه دیگر متفاوت است.

فصل هشتم

تغییر باور ها

تفسیر ما از بازار همه چیز است

بازار دارای انرژی مثبت یا منفی نیست و از نظر بازار افزایش قیمت و کاهش قیمت وجود دارد و براساس الگو هایی ایجاد می شوند ، پس در نتیجه بازار یک نتیجه منفی برای ما به وجود نمی آورد و این اعتقادات یا انتظاراتی است که از بازار داریم و فکر می کنیم حتما باید درست باشد باعث زیان ما می شود.

ما فقط می توانیم بازار را بررسی کنیم و ببینیم اگر قیمت به حد سود یا حد ضرر ما رسید چقدر سود یا زیان خواهیم کرد اگر فکر کنیم که دقیقا می دانیم بازار تا کجا حرکت خواهد و کجا وارد اصلاح می شود ممکن است این موضوع ما را در دردسر بیندازد.

اینکه بتوانیم در بازار کسب سود کنیم کار ساده ای است ولی کسب سود مستمر و توانایی حفظ و نگهداری سود بسیار اهمیت دارد و تنها راه رسیدن به آن این است که به جای تمرکز بر روی پول تمام تمرکز خود را بر روی معامله گری قرار دهیم .

حالت ذهنی آسوده خاطر بودن

آسوده خاطر بودن به معنای داشتن اعتماد به نفس به میزانی است که بتواند ترس ، تعلل یا وسواس را از بین ببرد . اگر به این سطح از اعتماد به نفس برسید تهدید در بازار از بین رفته و به سادگی می توانید بر روی معاملات خود تمرکز کنید.

زمانی که به معامله گری به چشم بازی احتمالات نگاه کنید دیگر موفق شدن یا شکست خوردن ، درست و غلط معنی نمی دهد . اگر توقع نداشته باشید که بازار حتما باید به شما سود برساند هیچ ترسی از باخت در بازار نخواهید داشت.

نکات مهم در هر معامله

- ۱- اگر تمامی معاملات شما بر اساس لبه شما باشد در آخر میزان سود شما از زیان ها بیشتر است.
- ۲- برای کسب سود لازم ندارید بدانید که قرار است دقیقا چه اتفاقی رخ دهد.
- ۳- همیشه در نظر داشته باشید اهر اتفاق می افتد ممکن است رخ دهد .

فصل نہم

ماہیت باور ها

یک عقیده دقیقاً به چه معناست ؟

مشکلاتی که ممکن است در زندگی داشته باشیم مانند : خوشحالی ، ناراحتی ، رضایت و یا عدم رضایت همه ریشه در عقاید و باور های ما دارند .

هیچ فردی با عقاید مشخص متولد نمی شود و بخشی از عقاید با توجه به محیط و اتفاقاتی که برای ما رخ می دهد به وجود می آید ولی بیشتر آن توسط دیگران به ما گفته می شود .
عقاید مانند اعضای بدن هستند و ویژگی های مشخصی دارند که براساس آن وظایف خود را انجام می دهند.

عقاید چطور عمل می کنند؟

- ۱- عقاید به شکلی اطلاعات بیرون را تحلیل می کنند که باعث ایجاد احساس رضایت در ما شوند .
- ۲- عقاید در شکل دادن توقعات نیز تاثیر دارند .
- ۳- عقاید تمام تلاش خود را انجام می دهند تا اوضاع را به صورتی نشان دهند که انگار همه چیز را درباره آینده می دانیم.
- ۴- عقاید تصمیم هایی که با آن ها سازگار باشد را فقط میگیرند.
- ۵- و در آخر ما بر اساس عقاید نتایج بدست آمده را ارزیابی می کنیم.

عقاید حقیقت را پنهان می کنند

عقاید مانند یک فیلتر عمل می کنند هر حقیقتی را که برخلاف آنها باشد رد می کنند ولی راهکار فهمیدن حقیقت اصلی چیست؟

- ۱- محیط بیرون خود را به شکل نامحدود نشان می دهد . اگر تمام نیرو های طبیعی را با انواع عکس العمل های انسان ترکیب کنید می توانید تمام حقیقت را پیدا کنید .
- ۲- باید محیط بیرون را آن طوری که هست ببینیم نه به آن شکلی که می خواهیم و عقاید حقیقت اصلی را همیشه پنهان می کند.
- ۳- اگر مورد ۲ را قبول ندارید و فکر می کنید عقاید تمام حقیقت را به شما می گویند پس نباید هیچ احساس ناراحتی داشته باشید و باید همیشه رضایت و شادی داشته باشید .
- ۴- اگر مورد ۳ را تایید می کنید می توانید بهترین نتیجه را بگیرید .
حقیقت آن چیزی است که براساس عقاید ما باشد و باعث ایجاد محدودیت هایی برای دریافت حقیقت است .

جهت دریافت آموزش های بیشتر به [میهن اینوست](http://mihaninvest.com) مراجعه کنید.

فصل دهم

تاثیر باور ها بر معامله گری

همه مردم سعی میکنند باور های خود را درست جلوه دهند و بگویند باورها و عقاید بقیه اشتباه است و حتی فرهنگ ها و ملیت ها نتیجه همین موضوع است. حتی در بعضی موارد حاضر می شویم کشتار انجام دهیم! به نظر من عقاید و باورها شامل انرژی ساختار یافته هستند، شاید راحت نباشد که بپذیرید یک باور شامل انرژی باشد.

ویژگی های یک عقیده

۱- اینطور نشان می دهد که عقاید زندگی خود را دارند و با هر چیزی که امنیت آن ها را به خطر بیندازد مقابله می کنند.

۲- هر عقیده ای دوست دارد گسترش پیدا کند.

۳- عقاید کار خود را همیشه انجام می دهند چه ما از وجود آنها آگاه باشیم چه نباشیم.

اگر سعی کنید عقاید را از بین ببرید نمی توانید نتیجه بگیرید چرا که اگر متوجه شوید فردی می خواهد شما را از بین ببرد چه اقدامی انجام می دهید؟ قطعا اولین کار دفاع است و بعد از آن شروع به درگیری می کنید و عقاید بسیار قوی هستند و هویت ما را تشکیل می دهند.

وقتی معتقد باشید از آینده آگاه نیستید در نتیجه توقعی هم از بازار ندارید قطعا یک اتفاقی رخ خواهد داد که به سود یا زیان شما است پس در نتیجه هیچ دلیلی ندارد اطلاعات بازار را تهدید آمیز مشاهده کنید.

ارزیابی شخصی

معامله گری یک محیط با فرصت های بسیار زیاد معامله در اختیار ما قرار می دهد و پول بسیار زیادی در بازار وجود دارد اما اینکه کل پول بازار و سود آن برای ما است قطعا ارزیابی اشتباهی است.

جهت دریافت آموزش های بیشتر به [میهن اینوست](#) مراجعه کنید.

فصل یازدهم

تفکر مانند یک معامله گر

معامله گری پیدا کردن الگوهای قیمتی است تا در بهترین قیمت بتوانیم وارد معامله شویم ممکن است بتوانیم سود کسب کنیم یا ممکن است ضرر کنیم ، معامله کردن یکی از سخت ترین کار هایی است که تا الان انجام داده به خاطر این نیست که معامله گری نیاز به هوش و استعداد زیادی دارد بلکه دقیقا برعکس است هرچه بیشتر بدانید احتمال شکست بیشتر است.

۳ قانون که باید رعایت کنید :

- ۱- اعتماد به نفس کافی داشته باشید که بتوانید در یک بازار نامحدود معامله کنید.
- ۲- همیشه از سیستم معاملاتی خود پیروی کنید
- ۳- همیشه در نظر داشته باشید که برد و باخت فقط احتمال است نه حقیقت

ارزیابی خود

اولین گام برای ایجاد موفقیت مستمر این است که به آن چیزی که فکر می کنید ، می گوئید و انجام می دهید توجه کنید چرا که این موضوع رابطه مستقیم با عقاید و باور های شما دارد. هدف اصلی این است یاد بگیرید مشاهده گر خوبی باشید ابتدا باید مشاهده کنید و بیندیشید و در آخرین گام عمل کنید.

۷ اصل موفقیت

- ۱- لبه های خود را به درستی انتخاب کنید (لبه در مقدمه توضیح داده شده است)
- ۲- قبل از ورود به هر معامله ریسک خود را مشخص کنید .
- ۳- یا ریسک کامل معامله را بپذیرید یا اصلا وارد معامله نشوید .
- ۴- بدون درنگ به لبه خود عمل کنید.
- ۵- از بازار انتظار سود معقول داشته باشید .
- ۶- مرتب خود را ارزیابی کنید
- ۷- هیچ گاه از رعایت اصول خود تخطی نکنید.

جهت دریافت آموزش های بیشتر به [میهن اینوست](#) مراجعه کنید.



سپاس از اینکه این خلاصه کتاب را مطالعه کردید.
در صورتی که در سایت میهن اینوست ثبت نام کرده
باشید می توانید کاملا رایگان به تمامی خلاصه کتاب ها
دسترسی داشته باشید

ثبت نام رایگان